

« به نام آفریننده قلم »

## داستان شیخ مصطفی اسماعیل و اولین تلاوت سوره حج در مسجد امام حسین (ع)

به اتفاق می‌رویم به ۷۱ سال پیش (این مطلب در سال ۱۳۹۵ نوشته شده و هم اکنون با اصلاحات و اضافات منتشر می‌شود) سوار بر ماشین زمان (قالیچه پرنده) طی الارض (زمانی و مکانی) می‌کنیم به سال ۱۹۴۵ میلادی (۷۱ سال قبل) در مرکز کشور مصر، شهر قاهره، مهد تلاوت دنیا، که قرار است طبق معمول هر ساله یکی از مراسمات بسیار مهم جامعه مذهبی - سنتی مصری در مسجد امام حسین (ع)، مهمترین مسجد کشور مصر، جایی که هزاران قاری در سنین مختلف، آرزوی نشستن بر کرسی تلاوت این مسجد و تلاوت در برابر حضار آن را در دل دارند، برگزار گردد. قاری انتخاب شده برای این مراسم، از میان انبوه قاریان طراز اول شهر قاهره و دیگر نقاط مصر، جوان چهل ساله‌ای! است با قامت کشیده، صورت پر و سبیل زیبا که (احتمالا) برای دومین بار است در این مسجد تلاوت می‌کند. مراسمی که به طور مستقیم برای شنوندگان آن در سراسر کشور پخش می‌شود؛ یعنی برای صدها هزار شنونده‌ای که یکی از معدود سرگرمی‌های مهم خود را، گوش فرادادن به برنامه‌های سرگرم کننده رادیو مثل موسیقی و تلاوت و ... از داخل قهوه خانه‌ها و احتمالا منازل افراد متمکن می‌دانند.

قاری این مراسم مهم، یعنی شیخ مصطفی اسماعیل، از این بابت کمی نگران است! او به این فکر می‌کند که چه آیاتی را از سوره مورد نظر خود تلاوت نماید و چگونه زمان تلاوتش را تنظیم نماید تا حضار محفل و مسئولین پخش رادیو نیز راضی باشند. به این فکر میکند که سال قبل (۱۹۴۴ میلادی) برای اولین بار در این مسجد بسیار مهم و استرس زا، با موفقیت کامل توانست آیاتی از سوره‌های تحریم و حاقه را در طول نیم ساعت برای شنوندگان مراسم بخوبی تلاوت نماید، به طوریکه نه تنها دست‌اندرکاران و عوامل سختگیر و وسواسی رادیو، بلکه سمیع‌های بسیار متعصب (نسبت به مشایخ و قاریان پیر و قدیمی) را راضی نماید؛ بلکه حتی دهان قراء رقیبش و طرفداران دو آتشه دیگر قاریان جوان و میانسال را ببندد تا شاید فعلا و برای مدتی از کنایه‌ها و انرژی منفی این افراد حسود و طعنه زن در امان بماند. اکنون بکرات در ذهن خود آیاتی که نیت نموده تلاوت کند، را مرور میکند تا جایی را خدای ناکرده جا بیانندازد! او تصمیم راسخ گرفته که سوره حج را از آیه آغازین آن تلاوت نماید. آیات ابتدایی سوره حج که با « دعوت مردم به رعایت تقوای الهی » و ایضا ذکر « اوصاف روز قیامت » آغاز شده و زلزله عظیم آن روز را به همگان یادآور می‌شود (یا ایها الناس اتقوا ربکم، ان زلزلة الساعة شیء عظیم) آیاتی بسیار تکان‌دهنده که سرنوشت وحشتناک بشریت را در لحظات و دقائق منتهی به روز قیامت توصیف می‌کند (و تری الناس سکاری و ما هم بسکاری و لکن عذاب الله شدید).

طبق عرف و سنت حاکم و به ارث رسیده از اسلاف بزرگ قرائت مصر، شیخ مصطفی اسماعیل تلاوت خود را از درجات بم صدا و در مقام بیاتی و با نغمه دوگانه (قرار این مقام) آغاز مینماید که حزن و تیزی بیشتری نسبت به درجات میانی مقام دارد، سپس به ترتیب و با حوصله کامل، گوشه‌ها و نغمات مختلف مقام بیاتی را، مانند کسوها و طبقات ترتیبی یک کمد، یکی یکی برای شنونده باز نموده و به سمت بالا حرکت می‌نماید و زمانیکه در عبارت < یا ایها الناس ان کنتم ... > به هفتمین درجه از بیات می‌رسد، شنوندگان انگار که ابهت و فضای استرس جلسه را کم کم فراموش کرده و یخ‌شان باز شده و با « یا سلام » گفتن، اولین تشویق را نثار قاری نسبتا جوان نشست بر کرسی تلاوت می‌نمایند. سپس مصطفی اسماعیل « مراحل خلقت انسان » را یک به یک در نغمات مختلف مقام حسینی (از فرعیات بیات) برای شنونده خود تشریح مینماید تا به بیان قاعده و قانون « زوج آفرینی » پروردگار برسد. تا اینجا شیخ مصطفی، عملکرد خود را در ذهن مروری نموده و از آن راضی است زیرا توانسته در قامت یک « قاری حرفه‌ای »،

شنوندگان سختگیر، سخت پسند و حرفه‌ای مسجد امام حسین (ع) را که قبل از این تلاوت، در کرسی این مسجد، شیخ احمد نداء، شیخ علی محمود، شیخ محمد الصیفی و ... را دیده اند، مجدداً مشابه مرتبه اول راضی نماید. بنابراین تا اینجا مصطفی قوت قلب میگیرد. همچنین او تا اینجا کار، سنت لحنی تلاوت مشایخ بزرگ گذشته قاهره همچون امام القراء شیخ محمد رفعت و دیگران را نیز در احیای الحان مقام حسینی (ترکیب من بیات + بیات و ترکیب مت بیات + راست) پاس داشته است. سپس شیخ مصطفی تصمیم به اوج گیری کردن (در بیات) اکتاوی می‌نماید که طبق سنت معمول و میراث برجای مانده از جناب « شیخ احمد نداء » و نیز موسیقیدانان بزرگ قرن گذشته، از مقام یکاه برای اینکار استفاده مینماید و سپس آنگاه بیات را در اکتاو دوم می‌گیرد (ذلک بما قدمت ...) اما در یک لحظه با رسیدن به درجه چهارم مقام در اکتاو دوم، مصطفی حس میکند، سطح تلاوتش برای شرایط فعلی حاکم بر جلسه و بخصوص در تناسب با صدایش، قدری « بالا افتاده » و فعلاً امکان بالاتر رفتن و اشاره به درجات بالاتر را ندارد! با خود فکر و مرور می‌کند چرا این اتفاق رخ داده؟! که به نظرش می‌رسد، جو سنگین جلسه در شروع آن و اینکه در حضور بزرگان قاهره تلاوت می‌کند و اینکه بم صدایش فعلات‌های پائین‌تر از این را تولید نمی‌کند، موجب شده که قدری از معمول (شاید حدود نیم یا یک پرده) بالاتر بگیرد؛ فلذا با مقدورات فعلی و با توجه به تلاوت گذشته وی (تحریم حاقه) در همین مکان، که انتظارات از وی را بسیار بالا برده، تصمیم می‌گیرد که تا زمان رهاتر شدن عضلات حنجره از انقباضات و نگرانی‌ها، تا فرازهای چندی، نعمات مختلف انتهای اکتاو اول بیات و نعمات شروع اکتاو دوم این مقام را (که در توسط صدا قرار می‌گیرد) روی عبارات مختلف و با انواع ملودی‌ها و آنچه تاکنون از الحان گذشتگان و ابتکار خود یاد گرفته و به ذهنش می‌رسد، تکرار نماید.

سپس تصمیم می‌گیرد که در آیه < ان الذین امنوا و الذین هادوا و الصابئین > « مقام صبا » را شروع نماید که از به تکرار افتادن در بیات جلوگیری شود. پس از فرازهای کوتاهی در صبا، دیگر مقام حزین یعنی حجاز را در آیه < ان الله یفعل ما یشاء > بوسیله لحن شاهناز (حجازکار) می‌گیرد. چون هنوز هم به اطمینان کامل از صدای خود نرسیده، ریسک نکرده و درجات اوج مقام را اجرا نمیکند (با خود مرور میکند که در جلسه مهمی تلاوت میکند و ریسک کردن و خراب شدن احتمالی صدا و لحن ممکن است وجهه تلاوت وی را نزد بزرگان عرصه تلاوت پائین آورد). تا به عبارت < کلما ارادوا ان یخرجوا > می‌رسد « نغمه حجاز نوا » را با تمام توان و با انرژی کامل و از عمق جان به شنونده عرضه مینماید. در ادامه، با اینکه آیات عذاب را در مقام حجاز تلاوت کرده، اکنون در همین مقام، به وصف خداوند از اوضاع اهل بهشت می‌رسد، اما حس میکند الحان حجاز هنوز هم جای ادامه یافتن دارند و شنونده هم هنوز طالب است، لذا آیه < و لباسهم فیها حریر ... > را با تاسف بسیار، حاکی از دوری از نعمت‌های بهشتی به شنونده عرضه می‌دارد. گرچه حجاز ذاتاً مقام محزونی است و نزدیک به صبا و البته حالت حماسی و تیزی حجاز، در صبا ضعیف‌تر است.

در همین حال و هواست که به این فکر می‌افتد که کدام مقام را پس از حجاز استفاده کند؟! نزدیکترین ایده و ذهنیتی که در لحظه برای وی ایجاد می‌شود « مقام سه‌گاه » است، اما آیه‌های که به آن رسیده چندان با ذات شاد و بهجت سه‌گاه همخوانی ندارد (< ان الذین کفروا و یصدون ... >) اما مصطفی فعلاً در حالت مدیریت تلاوتش است و لاجرم توجهی که در سالهای بعدی به لزوم تطبیق آیات با نعمات خواهد داشت را ندارد. زیرا اصولاً اولین پارامتر در جذابیت و تاثیرگذاری یک تلاوت، « سلامت و زیبایی الحان » در اجراست و این نکته که اثر نعمات با مضمون آیات، همخوانی و هماهنگی داشته باشد حتی در آن جلسه مهم هم در اولویتهای بعدی قرار می‌گیرد و در وهله اول شنونده حرفه‌ای نیز یک تلاوت زیبا، شنیدنی و تاثیرگذار را از قاری انتظار دارد.

اما مصطفی اسماعیل در این گیر و دار است که بناگاه بیاد مفهوم عبارات می‌افتد که آیات انداز، تحذیری و کوبنده‌ای که در انتهای آن وعده عذاب دارد (... نذقه من عذاب الیم) را در مقام شاد سه‌گاه تلاوت نموده! لذا بلافاصله لحن را در فراز ۸۰ به شاهناز

(حجازکار مصطلح) بر میگرداند که تیزی، تندی و کوبندگی و حزن فوق العاده‌ای در لحن دارد و یکی از بهترین گزینه ها، برای « تحذیر و انذار » است.

تا اینجای کار شیخ مصطفی اسماعیل نمیداند چند نفس و فراز را تلاوت کرده اما زمان جلسه را از ساعتی که بر میچ دارد، چک می‌کند بیاد می‌آورد که قبلا با دست اندرکاران رادیو اتمام حجت نموده که باید به وی بیش از نیم ساعت زمان اختصاص یابد تا وی بتواند همه آنچه از صوت و لحن و آیات مد نظر دارد را برای شنونده عرضه دارد. پس از نیم‌نگاهی که به ساعت میکند در ذهن مرور میکند که هنوز نتوانسته مقاماتی که تاکنون تلاوت کرده (بیات، صبا، حجاز و سیکاه) را با اجرای اوج آنها برای شنونده، تکمیل نموده و تشویق مورد نیاز و لازم را دریافت نماید؛ لذا نکته مهمی را که در این مواقع به داد قاری می‌رسد و آن را از گذشتگان خود یاد گرفته، بخاطر می‌آورد؛ یعنی گرفتن گام راستی که زیر سه‌گاه قرار دارد (که امروزه به آن « مدولاسیون کردن « میگوئیم) بنابراین از شروع مطلب و مضمون جدید در سوره، یعنی ذکر جناب ابراهیم نبی (ع) در عبارت < و اذ بوانا لایراهمیم ... > گام راست مطلوب خود را می‌گیرد که دو درجه پائین تر از سه‌گاه و هر آنچه قبل از آن خوانده است. اینجاست که برقی از چشمان مصطفی اسماعیل می‌پرد! اکنون مقام راست در « محل مناسب صدای وی » قرار گرفته و براحتی می‌تواند اوج این مقام را که « حلقه گمشده تلاوت » وی تا اینجای کار است را برای شنونده ارائه نماید. لذا با دقت و توجه و با طی نغماتی (که امروزه آنها را با اسامی و اصطلاحاتی مثل راست راست، راست چهارگاه، نیشابورک، رست نوا و ... می‌شناسیم) که جزو ملزومات یک اجرای خوب و یک « تلاوت مدرسه ای » و کلاسه بندی شده است، در فراز ۸۴ صدای خود را به اوج مقام راست می‌رساند (نغمه مسمی به « گردانبه راست ») و آن را با کوبندگی خاص این نغمه به شنوندگان عرضه می‌نماید که در اینجا اولین فریاد شوق و ابتهاج افراد حاضر در محفل بلند می‌شود و آنها با خوشحالی فراوان از وی مجدداً همین موضوع (یعنی اجرای جواب جواب) را تقاضا مینمایند. با توجه به اینکه اجرای پشت سرهم و بدون فاصله دادن به جواب جواب ها، در عرف تلاوت چندان رسم نیست لذا مصطفی اسماعیل، مجدداً نغمات میانی و پائینی مقام راست را گرفته تا مجدداً به جواب جواب مصطلح در مقام راست برسد. با رسیدن به این مرحله، مصطفی نفس راحتی کشیده و از عملکرد خود در این جلسه مهم و سنگین احساس رضایت دارد بخصوص اینکه حدود ۴۵ دقیقه تلاوت نموده است. با اجرای دو نفس دیگر و علیرغم خواست مستمعین حاضر در ادامه دادن به اجرا، بناگاه تصدیق را اجرا و تلاوت را ختم مینماید. شاید یکی از مشایخ اسلاف نیز در جلسه حاضر است تا تلاوت وی نیز از رادیو پخش گردد (شاید)

## به قلم احسان اعتباریان

### قاریان و فنون تلاوت | اصفهان

یک توضیح :

داستان تلاوتی بدیعی که مطالعه فرمودید و تقدیم بزرگواران گردید، در سال ۱۳۹۵ طراحی و نوشته شده بود که به مناسبت ایام حج ۱۴۰۲، برای اولین بار، با اعمال بازبینی، اصلاحات و اضافات لازم تقدیم میگردد. این مطلب را تقدیم مینمایم به همه عزیزانی که به گردن بنده حق دارند، از پدر و مادر و خانواده عزیزم تا دوستان، قاریان و اساتید محترمی که طی ده سال اخیر، محترمانه و مشفقانه در طی این مسیر آموزشی و ابتکاری، بنده را همراهی، یاری و هدایت نمودند و نیت درست و خوش قلبی خود را، در قول و عمل اثبات نموده اند. همچنین تشکر فراوان از سروران عزیزی که در جلسات، کلاسها، دورهها و موسسات آموزشی استان اصفهان توفیق خدمتگزاری و آموزش در حضورشان داشته‌ام.